



مبادی صفویان

و تحقیقات مربوط به آن

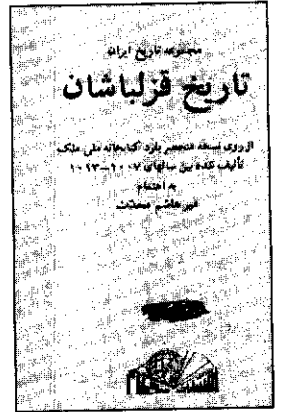
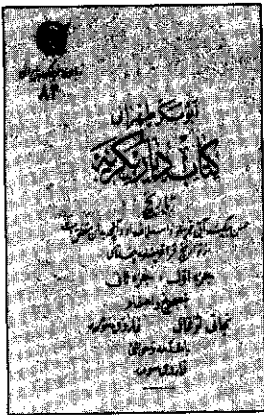
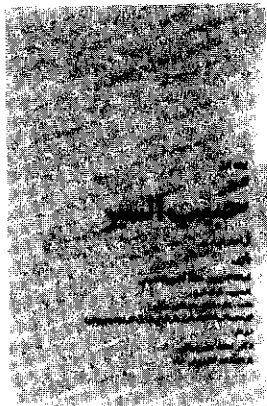
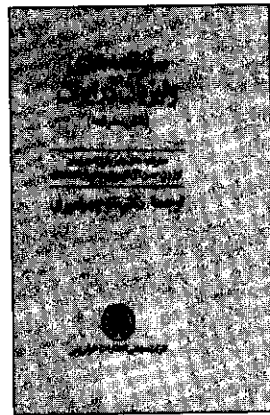
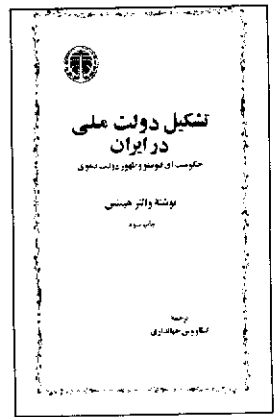
○ دکتر عبدالرسول خیراندیش
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

ابهامات میدان یافته است. به نظر می‌آید چنین ابهاماتی در مورد صفویان پیش از تشکیل دولت، مربوط به اوضاع و احوال دولت و روزگار قدرت صفویان باشد. یعنی پیش از آنکه چنین پرسش‌هایی از «علل» برخاسته باشد نظر به «نتایج» داشته است. مثلاً صفویه مذهب تشیع اثنی‌عشری را در ایران رسمیت بخشیدند در حالی که بر اساس بعضی از اخبار اجداد آنان شافعی بوده‌اند. شاهان صفوی ادعای سیادت کرده‌اند، حال آنکه نسب‌نامه سیادت آنان مربوط به دوره اقتدار آنان است. صفویان با عثمانی درگیر جدالی طولانی بوده‌اند و این جدال به‌دور از مداخله اروپائیان نبوده و به ضرر جهان اسلام بوده است، زیرا در شرایطی که عثمانی اروپا را تهدید می‌کرد از پشت‌سر درگیر صفویان شد. چنین وجهه‌نظرهایی درباره صفویان بیش از هر چیز با تصویری از توطئه و تحریک همراه بوده و القاکننده تصویری از دسیسه و پنهان‌کاری به نظر می‌آید. هرچند پاسخ به هر پرسشی را باید پس از تحقیق و جستجو دریافت کرد اما بی‌پاسخ ماندن بخش عمده این پرسش‌ها را باید در غیرعلمی بودن طرح چنین پرسش‌هایی دانست. زیرا پاسخ صحیح از پرسش صحیح برخواهد آمد و برای تردید در هر مسئله‌ای می‌توان پرسش‌های فراوان و بی‌پایانی مطرح ساخت. حال آنکه هیچگاه وضع و موقع تشیع در ایران قبل از عصر صفوی، بخصوص در حد فاصل مغولان تا صفویان به درستی ارزیابی نشده و به طور کلی شرایط دینی ایران قبل از صفویه با عنایت به حضور قدرتمندانه تصوف بازشناسی نگردیده است. در چنین شرایطی چگونه می‌توان صرف به قدرت رسیدن صفویان را موجب تحولی یک‌شبه از تسنن به تشیع دانست؟ درخصوص عثمانی نیز روشن نیست که این فرض توأم با یقین چگونه صورت گرفته که آن دولت مظهر اسلامیت بوده باشد و صفویه مخل عظمت آن در برابر اروپا شده است. اگر وقایع‌نگاری رخدادهای سیاسی و نظامی میان صفویان و عثمانی را مدنظر قرار دهیم عموماً بلکه اکثریت موارد، تهاجم از ناحیه عثمانی‌ها صورت گرفته است. بدون شک مرز اولیه صفویان با عثمانی، با عنایت به اینکه صفویه میراث‌دار آق‌قویونلوها بوده‌اند با شرایط حاصل از جنگ ترجان (۸۷۷ هـ. ق) که

دولت صفویان (۹۰۷-۱۱۴۸ هـ) با برجای گذاشتن میراث قابل توجهی از آثار معماری و هنری و منابع مکتوب، در عین حال که عرصه‌های تحقیقی بسیاری را در زوایا و خفایای خویش ممکن ساخته اما در کلیت و اساس خود ابهامی را دربر ندارد. به عکس، اوضاع و احوال صفویان پیش از تشکیل آن دولت بسیار پرابهام جلوه می‌کند و موجب سردرگمی بسیار شده است. هرچند ابهام اوضاع و شرایط پیش از تشکیل دولت، برای اکثریت سلسله‌های تاریخ ایران وجود دارد اما این ابهام و سردرگمی برای صفویان به دلایلی که ذکر خواهد شد جلوه‌ای بارزتر یافته است. سرگذشت پیشینیان ساسانیان، دیلمیان، تیموریان و دیگران که همگی دولت‌های پراوازه‌ای بوده‌اند هیچگاه به درستی در روشنائی تاریخ قرار نگرفته‌اند؛ اما موجب آشفتگی و سرگردانی اذهان نیز نشده‌اند. زیرا به نحوی بدیهی و متعارف به دلیل گمنام بودن یا داشتن موقعیت و مرتبه پایین مورد توجه نبوده و اخباری درباره آنان در منابع منعکس نشده؛ لذا اخبار اجداد آنها به طور طبیعی راه به افسانه و ابهام برده است.

اما صفویان در اعصار پیش از تشکیل دولت همواره با پرسش‌های بسیاری روبرو شده‌اند: آیا شیخ صفی ترک‌زبان بود؟ اجداد کرد او چگونه در اردبیل مستقر شده‌اند؟ سرگذشت اجداد او از فیروز شاه زرین کلاه تا شیخ جبرئیل چه بوده است؟ از فیروزشاه چگونه نسب صفویان به امامان شیعه می‌رسد؟ مذهب شیخ‌صفی چه بود؟ قزلباشها چگونه شکل گرفتند و به صفویان پیوستند؟ چگونه صفویان از زمان جنید به جنبش سیاسی و نظامی روی آوردند. پیوند آنان با خاندان سلطنتی آق‌قویونلو آنچنانکه جنید خواهر و حیدر، دختر اوزون حسن را اختیار کرده چگونه بوده و چه نتایج داشته و این دختر که حاصل ازدواج اوزون حسن با دسینا خاتون، برادرزاده کالویوهانس امپراتور ترابوزان بوده چه جایگاهی در مبادی تاریخ صفویان دارد؟ و پرسش‌هایی از این قبیل.

چنانکه آورده شد چنین پرسش‌هایی در مورد هر خاندانی پیش از رسیدن به قدرت می‌تواند مطرح باشد و بی‌پاسخ ماندن آنها نیز چندان با شگفتی روبرو نمی‌شود. اما در مورد صفویان به نحوی استثنایی این



طی این جنگ آق قویونلوها از عثمانی‌ها شکست خوردند باید مرتبط دانسته شود. نیروهای صفویه هیچگاه از این مرز عبور نکرده‌اند. حتی چنانکه مرزبندی‌های ناشی از صلح آماسیه (۹۶۲ هـ. ق) را که پس از تهاجمات سلیم و سلیمان شکل گرفته ملاک قرار دهیم باز هم پس از آن عثمانی‌ها مهاجم بوده‌اند و صفویان مدافع. لشکرکشی‌های پیروزمندانه شاه عباس اول نیز در حقیقت

ماهیت دفاعی داشته و برای بازپس‌گیری اراضی از دست رفته صورت گرفته است. شرایط صلح و آرامش یکصد ساله آخر دولت صفوی با عثمانی نیز فرصتی برای اقتدار عثمانی به‌شمار نیامد. زیرا این دوره که منتهی به قرن هجدهم میلادی شد با انحطاط قطعی عثمانی توأم گردید و در پایان این دوران عثمانی‌ها نه تنها به بهبود موقعیت خود در بالکان نپرداختند بلکه به لشکرکشی‌های بی‌حاصلی در قبال غلجه‌زایی‌ها و به حمایت صفویان اقدام کردند. آیا نمی‌توان این نکته را نیز مدنظر قرار داد که انحطاط و سقوط عثمانیان ریشه در ساختارهای درونی آن و نوع مناسبات آن با اروپا داشته است و با اظهارنظری غیرعلمی درباره صفویان که اساس شرایط ملی و اجتماعی و فرهنگی کنونی ما بنان رجوع می‌کند بر سر شاخ بن نبزید و در مورد بنیادهای مذهبی مناسبات صفویه با عثمانی‌ها اعم از جنگ و صلح بازاندیشی نکرد.

بدون شک اوضاع و احوال هم خاندان صفوی و هم ایران قبل از قرن دهم هجری نیاز به ارزیابی دقیقی توأم با نقد و نظر دارد. در این دوره که حداقل قرون هفتم تا دهم هجری را دربرمی‌گیرد و بطور عام عصر مغولی تاریخ ایران نامیده می‌شود، توأم با فراز و فرودهای بسیار بوده است. با این حال معمولاً این دوره سیصدساله چنان سریع نگریسته می‌شود و نتایج آن یکجا و بطور کلی بدون هرگونه تدقیق و طبقه‌بندی عرضه می‌گردد که حاصلی جز افزودن بر ابهامات نداشته است. حال آنکه به نحوی بسیار ساده این دوره، یک دوره چهل ساله تهاجم مغول، یک دوره هشتاد ساله دولت مغول، حدود شصت سال ملوک‌الطوایف قرن هشتم، حدود هفتاد سال تیمور و تیموریان و سرانجام حدود نیم قرن ملوک‌الطوایف عصر ترکمانان را شامل می‌شود. این دوره که حدود سیصد سال را دربر می‌گیرد بالغ بر دوپست و پنجاه سال آن حداقل شیخ صفی (متولد حدود ۶۵۰ هـ. ق) تا تشکیل دولت صفوی به وسیله شاه اسماعیل (۹۰۷ هـ. ق) از تاریخ این خاندان در آن واقع شده است. حال اگر شش نسل قبل از شیخ صفی، یعنی (صفی‌الدین اسحاق) پسر جبرئیل پسر قطب‌الدین پسر صالح‌الدین پسر محمد پسر عوض پسر فیروزشاه زرین کلاه را هم مدنظر قرار دهیم که حدود یکصد و هشتاد سال را دربر می‌گیرد، مبادی این

**صرف نظر از میحث
تشیع و دولت ایلخانی،
باید توجه داشت که
در حداقل ایلخانان تا
صفویان، به استثنای
عصر تیمور،
سراسر پراکندگی
سیاسی حاکمیت داشته و
نیز دولت‌های
حداقل ایلخانان تا
صفویان عموماً
سنی بوده‌اند**

**میشل مزای
کوشیده است
اشاره‌ای مبهم به
رابطه اسماعیلیان و
صفویان کند.**

**نیز در همان حال
تکیه انسانی خود را بر
مسئله مهدویت
قرار می‌دهد و در
بیانی مجمل،**

**سه «محمد متقدم» یعنی
کلینی، ابن بابویه و
طوسی شیخ الطایفه را
با سه «محمد متاخر»**

**یعنی حر عاملی،
ملاحسن فیض و
محمدباقر مجلسی
از طریق سه شخصیت
مشهور چون مطهر حلی،
ابن مکی و ابن فهدحلی
ارتباط قائل می‌شود و**

**بدین ترتیب
تلاش می‌کند
حلقه اتصال تشیع
عصر مغول با صفوی را
کشف کند**

خاندان به اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری خواهد رسید. این دوره که به «صفویه آغازین» موسوم شده بطور کلی مورد توجه واقع نشده و حتی اوضاع و احوال اردبیل هم به درستی مشخص نشده است. شیخ صفی خود هشتاد سال عمر کرد و در نیمه اول قرن هشتم و روزگار پایانی دولت ایلخانی محترم و معروف بوده است. او در این دوران با تکاپوها و تشکیلات صفویه مربوط بوده

است. فرزند و نوادگانش صدرالدین، خواجه علی و شیخ ابراهیم موقعیت خانقاه اردبیل را ارتقاء بخشیدند و شرایطی را بوجود آوردند که «صفویه متقدم» نامگذاری شده و طی آن شیوخ صفویه با چوپانی‌ها، جلایری‌ها و تیموریان، معاصر و معاشر شده‌اند. پس از آن دوره «نهضت صفویان» فرارسید که شیخ جنید، شیخ حیدر و پسرش سلطان علی و سرانجام برادرش شاه اسماعیل را شامل می‌شود. در زمان اسماعیل به سال ۹۰۷ هـ. ق. بود که دولت صفویان تاسیس گردید.

این دوره از نظر تاریخی طولانی است و با نگاهی کلی و سریع نمی‌توان درباره آن قضاوت کرد. معمولاً برای این دوره یعنی حداقل ۶۰۰ تا ۹۰۰ هـ. ق. رشد تصوف و تشیع را مورد تأکید قرار می‌دهند. اما کم و کیف آن هیچگاه با دقت و تفصیل و تحلیل لازم بیان نشده است. مثلاً در کتاب مسائل عصر ایلخانان که از تحقیقات پرمغز تاریخ ایران دوره مغول محسوب می‌شود درباره نتایج حمله مغول به ایران چنین آمده است: «قوت یافتن تشیع و فراهم آمدن مقدمات پیروزی شیعه در ایران، فراهم آمدن مقدمات وحدت مجدد سرزمین‌های ایرانی پس از ساسانیان و سلاجقه بزرگ که بالاخره در عهد صفویه به تحقق کامل می‌انجامد». اما نویسنده روشن نمی‌سازد که تشیع و وحدت ارضی عصر ایلخانی چگونه به عصر صفوی اتصال می‌یابد و صورت مستمر این پدیده‌ها چگونه بوده است. صرف‌نظر از میحث تشیع و دولت ایلخانی، باید توجه داشت که در حداقل ایلخانان تا صفویان، به استثنای عصر تیمور، سراسر پراکندگی سیاسی حاکمیت داشته و نیز دولت‌های حداقل ایلخانان تا صفویان عموماً سنی بوده‌اند. میشل مزای اشاره‌ای مبهم به رابطه اسماعیلیان و صفویان می‌کند. ^۲ نیز در همان حال تکیه اساسی خود را بر مسئله مهدویت قرار می‌دهد ^۳ و در بیانی مجمل میان سه «محمد متقدم» یعنی کلینی، ابن بابویه و طوسی شیخ طایفه با سه «محمد متاخر» یعنی حر عاملی، ملاحسن فیض و محمدباقر مجلسی از طریق سه شخصیت مشهور چون مطهر حلی، ابن مکی و ابن فهدحلی ارتباط قائل می‌شود ^۴ و بدین ترتیب تلاش می‌کند حلقه اتصال تشیع عصر مغول با صفوی را کشف کند. این روش صورت‌گرایانه نزد کامل مصطفی الشیبی در کتاب تشیع و تصوف

پروآمن و فرمانروایی تیمور

(مجموعه آثار و اسناد تاریخی، به‌تألیف و تصحیح دکتر محمد باقر

میرزا

مطهر حلی

تألیف و تصحیح

دکتر محمد باقر

جلد دوم
مجله
حیب السیر
ژانر: تاریخ
تألیف: ابوالقاسم طاهری
مقدمه: دکتر میرزا محمد تقی میرزا
موضوع: تاریخ صفویه
تعداد صفحات: ۲۰۰
قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال
مکان انتشار: تهران
سال انتشار: ۱۳۸۹



کنار گذاشته می‌شود. او می‌کوشد با تأکید بر تصوف این حلقه اتصال را در حروفیه و نوربخشیه و مانند آنها جستجو کند.^۶ شاید او بیش از دیگران در این راه توفیق یافته باشد.

مقاله وحدت ملی که صفویان در آن به موقعیت و موفقیت خاصی رسیده‌اند چه از نظر وحدت ارضی و چه از جنبه نظام متمرکز اداری نیز مورد توجه عده‌ای دیگر به عنوان سیر اصلی پیدایش قدرت صفویان مدنظر قرار گرفته است. با این حال در تحول از نظام اداری عصر ایلخانی به صفوی بجز تحقیق دکتر شیرین بیانی درباره تاریخ آل جلاویه^۷ حلقه اتصال دیگری نشان داده نشده است. منابع مهمی چون ریاض الاثشاء، نوشته خواجه محمودگوان و منشآت میددی و نیز اشارات روزبهان خنجی در مورد اقدامات شیخ عیسی، وزیر سلطان یعقوب برای اصلاحات اداری و مالی دولت آق‌قویونلو هنوز بطور کامل در تحلیل شرایط ماقبل صفوی جامعه ایران مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

اما تکوین وحدت ملی بیش از تحول نظام اداری مورد توجه بوده است. دکتر ابوالقاسم طاهری در کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از تیمور تاشاه عباس کوشیده است ریشه‌های وحدت ملی عصر صفویان را به دولت آق‌قویونلو، بخصوص پادشاه قدرتمند آن، اوزون حسن مرتبط بداند. او با تأکید بر وسعت قلمرو و قدرت بلامنازع اوزون حسن که همواره به صورت حسن پادشاه او را مخاطب ساخته سعی دارد میراث سیاسی و ارضی آق‌قویونلوها را در تکوین صفویه بسیار قابل توجه نشان دهد.^۸ این کوشش در اثر معروف والتر هییتس به نام تشکیل دولت ملی در ایران^۹ نیز ادامه یافته منتهی هرچند از نظر منابع بر اثر طاهری رجحان دارد اما طاهری درک تحلیلی بهتری ارائه می‌نماید. هر دو بر روابط خارجی آق‌قویونلوها با ونیز و تعارض با عثمانی به عنوان پایه و بنیادی برای سیاست خارجی صفویان تأکید کرده‌اند که این نکته حائز اهمیت بسیار است. سفرنامه ونیزیان در ایران دستمایه اصلی چنین دیدگاهی بشمار می‌آید.^{۱۰} این سبک و سیاق بعدها در کتاب ایران و جهان نوشته دکتر عبدالحسین نوایی ادامه یافته است^{۱۱} با این برتری که او با مراجعه به منشآت و نامه‌های این دوران که آنها را در کتاب اسناد و مکاتبات تاریخی^{۱۲} منعکس ساخته، جزئیات دقیق‌تری از رفتارهای سیاسی فرمانروایان ایرانی را نشان می‌دهد. کتاب راجر سیوری با عنوان ایران عصر صفوی^{۱۳} نیز تقریباً همین راه را می‌رود. منتهی در کتاب دکتر احمد تاج‌بخش با عنوان ایران در زمان صفویه^{۱۴} و مجیر شیبانی با عنوان تشکیل شاهنشاهی صفوی: احیاء وحدت ملی^{۱۵} تأکید بر وحدت ملی به عنوان بزرگترین ثمره دولت صفویان بیشتر عیان و آشکار می‌گردد. سرانجام این رشته از تحقیقات در کتاب پرارزش زندگانی شاه‌عباس نوشته نصرالله فلسفی به اوج خود می‌رسد.^{۱۶}

اما تأکید اساسی چنین تحقیقاتی اساساً بر نیمه غربی ایران است و بجز اثر دکتر طاهری که تیموریان را هم در بر می‌گیرد، بقیه این وجهه را از نظر دور داشته‌اند. در این خصوص کتاب بتاتریسی منز با عنوان برآمدن و فرمانروایی تیمور مبادی دولت گورکانی را تشریح می‌کند اما به مبحث

ایران عصر صفوی



**دوره حدفاصل
قرون هفتم تا
دهم هجری که
به طور عام عصر مغولی
تاریخ ایران
نامیده می‌شود،
توام با فراز و فرودهای
بسیار بوده است.
با این حال معمولاً
این دوره سیصدساله
چنان سریع نگریسته
می‌شود و
نتایج آن یکجا و
بطور کلی بدون
هرگونه تدقیق و
طبقه‌بندی
عرضه می‌گردد
که حاصلی جز
افزودن بر ابهامات
نداشته است**

**معمولاً برای دوره
حدفاصل ۶۰۰ تا
۹۰۰ هـ. ق. رشد
تصوف و تشیع را
مورد تأکید قرار می‌دهند.
اما کم و کیف آن هیچگاه با
دقت و تفصیل و تحلیل لازم
بیان نشده است**

قراقویونلوها

جلد اول
پروفسور فاروق سومر
مؤلف
مکان انتشار: تهران
سال انتشار: ۱۳۸۹

اینکه آیا میراثی برای صفویان داشته است یا نه وارد نمی‌شود.^{۱۷} چنین نقیصه‌ای در اثر دکتر میرجعفری با عنوان تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان^{۱۸} تا حدودی جبران می‌شود، اما تکیه اساسی کتاب وی بر مباحث اجتماعی و تمدنی، آنرا چندان پربارنگ نمی‌سازد.

سایه به سایه تحقیقاتی که مقوله وحدت ملی را در مقدمه تشکیل دولت صفوی اساس قرار داده‌اند تحقیقاتی نیز صورت گرفته تا تحولات قبایلی حدفاصل مغول تا صفویه را مورد توجه قرار دهند. پرتلاش‌ترین مورخ این عرصه فاروق سومر بوده است. او دو اثر معروف به نامهای قراقویونلوها^{۱۹} و نقش ترکان آناتولی در پیدایش دولت صفوی^{۲۰} دارد. هرچند خوانندگان فارسی‌زبان این فرصت را نیافته‌اند که به مضامین کامل اثر اخیر دست یابند اما به طور کلی می‌توان گفت که مورخین جدید ترک تلاش بی‌وقفه‌ای برای ارائه تلقی خاصی از تکاپوی قبایل ترک در حدفاصل سلجوقیان تا صفویان داشته‌اند. این تحقیقات که شناخت قبایل در آنها رجحان خاصی دارد به موازات تحقیقاتی قرار می‌گیرد که مینورسکی با تکیه بر جغرافیا درخصوص نواحی شمال غربی ایران انجام داده است. درحقیقت سبک کار فاروق سومر و مینورسکی انشاقی در روش جامع‌گرایانه قاضی ابوبکر طهرانی در کتاب دیار بگریه^{۲۱} و روزبهان خنجی در عالم آرای امینی^{۲۲} و مورخ پرآوازه اوایل صفویه، خواند میر در حیب السیر^{۲۳} است. چنین منابعی با ارائه تاریخ سیاسی عصر خویش، تکاپوی قبایل در عرصه‌های جغرافیایی متعددی از جمله نیمه غربی و بخصوص شمال غربی ایران را بازگو کرده‌اند. حاصل جمع این تلاش‌های تاریخنگارانه در اثر کم حجم تاریخ قزلباشان^{۲۴} منعکس شده است که نشان می‌دهد قبایلی که به یاری صفویان شتافتند چگونه از جامعه آق‌قویونلو بیش از آن، قراقویونلو نشأت گرفته‌اند. منتهی ادامه این روند به سوی گذشته تا منبعی چون جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی بدست داده نشده و ناگفته مانده است. این انفصال را می‌توان با این توضیح همراه ساخت که اساساً موفقیت قبایل نواحی شمال غربی ایران که هم عثمانی‌ها و هم صفویان از آن‌جا برخاستند ریشه در عصر سلجوقیان دارد. قبایل ترکمانی در عصر سلجوقیان بزرگ با مهاجرت به آسیای صغیر، دولت سلجوقیان روم را ساختند. آنان در عصر تهاجمات مغول با مهاجرت قبایلی چون اوپرات‌ها، جلاپرها سولدوس‌ها روبرو شدند و سپس با آنها ترکیب‌شدند. در همان حال قبایل کرد نیز به سازمان نظامی و قبیله‌ای آنان وارد شدند و بدین نحو ترکمانان جدیدی شکل گرفتند که با ترکمانان سلجوقی متفاوت بودند. چنانکه اگر اطلاق ترکمان بر سلجوقیان را به معنای ترک مومن به دلیل گروهش به اسلام ذکر کرده‌اند، رشیدالدین در اواخر عصر ایلخانی ترکمان را به معنای ترک مانند می‌داند که نشان می‌دهد تحول نظام قبایلی در شمال غربی ایران چه سیری داشته است. از آنجا که ضرورت‌های دفاع در برابر مملوکان مصر و شام و خاندان جوچی در دشت قبیحاق تمرکز نیروی اصلی دولت ایلخانان را در کمربند گسترده‌ای از اران و آذربایجان تا آناتولی و مرزهای شام موجب می‌شد لذا هم تمرکز و نقل

شهرستان اصفهان
تشیخ و توسعه دولت صفوی

پروفیسور فاروق سومر

دکتر اسحاق انزلی / دکتر محمد علی امامی
مترجمین
پروفیسور
مدت کبیر

پیدایش دولت صفوی

میشل م. مزاولی

پروفسور
پطرب آف

تاریخ

تحوالات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره

تیموریان و ترکمانان

تألیف
دکتر حسین میرجعفری

منشآت میدی

تألیف حسین میرجعفری

مترجمین
دکتر مرتضی زاهدی

جمعیتی و سازمان نظامی این دولت در این نقاط قرار گرفت و هم اینکه دولتهای بعدی چون چوپانیها و جلایریها در همین نواحی بوجود آمدند و تکاپوهای ایلخانان رقیب (۷۵۶-۷۳۶ هـ. ق) نیز اساساً در همین عرصه بود و بعدها دولت‌های قراقویونلو، آق قویونلو و صفویه نیز از همین جا برخاستند. این تمرکز طولانی، تحول زبانی قسمت‌هایی از شمال غربی ایران از آذری به ترکی را موجب شد. آنچه که غلبه عنصر جدید ترکمان را بدنبال می‌آورد، سازمان نظامی پرتحرک آنان بود. در این سازمان نظامی صوفیان مولویه، صفویه، بکتاشیه و مانند آنها نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. تحولات فکری و روحی، این قبایل نیز که از عصر اسلام‌پذیری آغازن شروع شده بود، شتاب بیشتری گرفت و بخصوص با شورش تیمورتاش، پسر امیر چوپان در آسیای صغیر در اواخر دولت ایلخانی که انتظار موعود نجات‌بخش را گسترش و پذیرش بیشتری بخشید، وارد مرحله تازه‌ای ساخت. هرچند مورخین ترک کوشیده‌اند همگام با کم‌رنگ ساختن مفهوم ترکمن بر صفاً ترک بودن دولت عثمانی تاکید کنند و بدین ترتیب از یک سو حضور پر قدرت عناصر بیزانسی را نادیده بگیرند، اما با تلاش برای ترک دانستن قزلباشان و انکار ترک ماندگی آنان بر ابهام تحولات مربوط به پیدایش صوفیان نیز افزوده‌اند.

این همه نشان می‌دهد که تحولات جمعیتی و فکری و سیاسی صفحات شمال غربی ایران پیچیده‌تر و دامنه‌دارتر از آن است که با تحقیقات شکل‌گرایانه یا تکیه بر قوم‌گرایی و تعصبات فرقه‌ای و نیز انتشار شتاب‌آلوده متون تاریخی بتوان به شناخت آن توفیق یافت. تلاش توأم با سماجت مورخین ترک برای اینکه صوفیان را فرع بر تاریخ عثمانی نشان دهند و نیز پای‌فشاری کسروی بر تشکیک در نسب‌نامه صوفیان و سیادت آنان خلاف چنین راهی است. در این خصوص لازم است عصر مغول و ادوار پس از آن به عنوان بستری که خاندان صفوی و پیروانشان در آن تکوین یافتند مورد شناسایی دقیق‌تری در مقدمه تاریخ صوفیان قرار گیرد و منابعی چون صفوة‌الصفای ابن بزاز و منشآت فریدون بیگ با تلاش محققانه و ارجمندتری در دسترس قرار گیرد. آثار و احوال متفکرانی چون روزبهان خنجی و علامه دوانی در معرض موشکافی‌های دقیق‌تری قرار گیرد و اوضاع ایالات مختلف ایران به نحو خاصی مورد بررسی واقع شود. چنین بررسی‌هایی بدون شک بسیاری از مفروضات رایج در خصوص شرایط مذهبی ایران قبل از صفویه را مورد تجدیدنظر جدی قرار خواهد داد و روشنایی بیشتری بر تاریخ صوفیان قبل از شاه اسماعیل خواهد افکند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. میشل، م. مزاولی: پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، تهران، ۱۳۶۳، صص ۱۳۳-۱۳۲ و ۱۵۷-۱۴۹
۲. منوچهر مرتضوی: مسائل عصر ایلخانان، انتشارات آگاه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰

به نظر می‌آید
ابهامات مربوط به
پیشینه خاندان صفوی
پیش از تشکیل دولت،
مربوط به اوضاع و
احوال دولت و
روزگار قدرت صوفیان
باشد. یعنی پیش از آنکه
چنین پرسش‌هایی
از «علل» برخاسته باشد
نظر به «نتایج» داشته
است

هیچگاه وضع و موقع

تشیخ در ایران
قبل از عصر صفوی،
بخصوص در حد فاصل
مغولان تا صوفیان
به درستی

ارزیابی نشده و
به طور کلی
شرایط دینی ایران
قبل از صفویه با عنایت
به حضور قدرتمندانه
تصوف باز شناسی
نگردیده است.

در چنین شرایطی
چگونه می‌توان
صرف به قدرت رسیدن
صوفیان را
موجب تحولی یک‌شبه
از تسنن به تشیخ
دانست؟

۳. مزاولی
۴. همان، ص ۲۰۷.
۵. همان، ص ۱۴۹.
۶. کامل مصطفی الشیبی: تشیخ و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراقرزلو، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۱۵۵-۳۴۱.
۷. شمیرین بیانی: تاریخ آل جلایر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸.
۸. ابوالقاسم طاهری: تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، انتشارات کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۴۹.
۹. والتر هینتس: تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق قویونلو و ظهور صفوی، ترجمه کیکلوس جهاننداری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲.
۱۰. جوزانا یاریارو: سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹.
۱۱. عبدالحسین نوایی: ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، موسسه نشر هما، تهران، ۱۳۴۴.
۱۲. عبدالحسین نوایی: اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۱.
۱۳. راجر سیوری: ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، انتشارات کتاب تهران، تهران، ۱۳۶۳.
۱۴. احمد تاج‌بخش: ایران در زمان صفویه، انتشارات چهره، تبریز، ۱۳۴۰.
۱۵. نظام‌الدین، مجیر شبینی: تشکیل شاهنشاهی صفوی، احیا وحدت ملی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۶.
۱۶. نصرالله فلسفی: زندگانی شاه عباس اول، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۲.
۱۷. بناتریس منز: برآمدن و فرمانروایی تیمور، ترجمه منصور صفت‌گل، نشر رسا، تهران، ۱۳۷۷.
۱۸. حسین میرجعفری: تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۵.
۱۹. فاروق سومر: قراقویونلوها، ترجمه دکتر وهاب ولی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹.
۲۰. فاروق سومر: نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، مترجمین دکتر احسان اشراقی و دکتر محمدتقی امامی، نشر گستره، تهران، ۱۳۷۱.
۲۱. ابوبکر طهرانی: کتاب دیار بکر، به تصحیح نجاتی طوغان و فاروق سومر، انتشارات طهوری، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۶.

Fadlullah - b - Ruzbihan khunji,
TARIKH ALAM ARA-YI AMINI. ed. by John.
E. Woods, Royal Asiatic Society, London. ۱۹۹۲.

۲۳. خواندمیر: حبیب السیر، زیر نظر دبیر سیاقی، کتابفروشی خیام، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۳، ج چهارم.

۲۴. تاریخ قزلباشان، به تصحیح میرهاشم محدث، انتشارات بهنام، تهران، ۱۳۶۱.

۲۵. احمد کسروی، شیخ صفی و تبارش انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۳۹.